

زیرساخت معرفت شناختی اشلتم (مقاله رجاء)

هیچ فهم صائبی، کامل نیست

از جمله عناصر مهم و موثر در مفاد یک سخن، “لحن” و نظام واژگانی آن سخن است. یک جمله و یا یک مقصود را میتوان با لحن ها و تعبیر گوناگون بیان کرد. جمله ی “گاليله گفته زمین دور خورشید می چرخد” را می توان کاملاً گزارشی، تحسین آمیز، کنایه و طعن آمیز، با خشم، نفرت و تهدیدآمیز گفت که هر یک از لحن ها کلاً مفاد و مستفاد را تغییر می دهد. برخی لحن ها، سالم و برخی مسموم است. اما نکته اینجا است که نظام معرفتی ما انسان ها، بر لحن و نظام گفتمانی مان سخت موثر است.

نظام گفتمانی علم در جامعه ی اسلامی و اخلاقی، هرگز مسموم نیست. در سنت حوزه های علمیه نیز تكثر آراء همواره امری مقبول بوده است و دیدگاه های گوناگون، محترمانه مطرح میشده؛ اگر چه آن فضا هم، گاه شرح صدر لازم را نداشته است (نگاه گلیه های امام خمینی ره از برخی روحانیان)

همواره تعریفی که از “حقیقت” در بین نخبگان شیوع دارد، بر لحن گفتمان ایشان تاثیر بسیار دارد. اگر حقیقت را مانند گربه ببینیم و عقل را مانند انبان، کشف حقیقت ان است که - اگر چه بسختی - گربه را در انبان بیاندازیم و بر کل حقیقت ظفر یابیم.

اما اگر حقیقت را بسیار گسترده و فهم را تکامل یابنده ببینیم و بدانیم همواره ده ها زاویه نکاویده و ضلع نامکشف وجود دارد و برای هر چیز n تعریف بی تحریف و برای انجام یک کار n راه خلاقانه وجود دارد، حقیقت مانند الماس ها و جواهرات پراکنده و کشف شدنی و عقل چون غربال و پرویزن، میشود که تا ابد در کار ثروت اندوزی و غربال سره از ناسره و سفتن فهم ها میشود.

نکته مهم این است که عقل انبان و عقل پرویزن (غربال) دو گونه با حقیقت برخورد میکنند و دو گونه سخن میگویند.

؟انبانیان، حقیقت افتاده در انبان عقل خویش را همه حقیقت میدانند و از یافته این حیوان خانگی ملوس می بالند و قربان صدقه ی آن می روند و اگر کسی در باب حقیقت ظفر یافته ایشان گزارشی دیگر بدهد، بر او پوزخند می زنند و او را دیگری، دیگراندیش و راه نایافته می دانند و به محتشمان خویش می گویند که به ایشان خبر دهند که کوشش بی حاصل نکند که حقیقت را صبح زود به انبان خویش انداخته ایم و برای سیاحت آن باید به زیارت ما بیایید... . این نتیجه از آن قرائت کاملاً طبیعی است.

؟ پرویزی ها اما، گزارشهای دیگر را غنیمت می شمارند و می دانند فهم ها فربه شدنی اند، برای تغذیه ذهن شان و برای شنیدن تازه ها، خراج می دهند و حتی حاضراند چاپلوسی مخالفان را هم بکنند تا ایده ی آنان را بشنوند تا از سمباده مخالفت آنان، فهم خویش را سفته تر کنند. اینان برای شکستن فهم های پیشین خود جشن می گیرند و آزادی بیان را می ستایند و نه از فهمیدن که از تقدیس حدود و تصلب فهم می هراسند. اینان دین را تقدیس می کنند اما فهم های درست دینی را همواره بهتر شدنی و کمال پذیر می بینند.

؟ انبانیان، بناچار در لحن خود، پُروپوزخند، طعن زننده، زود دیگر بین، زود در نهان متکبر و بالاخره در آشکار اشتلم زننده می شوند و فضای دانش سرا و دانشگاه و جامعه و رسانه ها را مسموم و تنگ و تاریک می کنند، **یقینشان بوی “گند و عطر” را توامان می گیرد و مدام در حال پدافند و تیز کردن دشنه ی دفاعیات خود خواهند شد.**

؟پرویزی ها، هزینه آزادی را می پردازند و می دانند در سرای آزادی بیان، چرندیات هم بناچار هست و لذا غربال از کف نمی گذارند اما آرام سخن می گویند و متواضعانه و حریصانه گوش می دهند و همواره تشنه و پُرکارند، **یقینیات بسیار دارند اما یقینیاتشان سرمایه ی درگرددش “توفهمی” است...** ادبیات اینان همواره آرام است و دیدگاه ها را این طور می بینند که از مکانیسم ذهن های محترم دیگران بیرون آمده است و اگر چه باطل باشد، شاید رگی از حقیقت در آن بتپد، آن سان که بسا در سنگی سرسوزنی طلا باشد. (نک اصل ادب) اینان فقط وقتی به تنگ می آیند و داد می زنند که کسی بخواهد فهمی را اگر چه صایب بطور قالب بندی شده به آنان تحمیل کند یا دیگران به اسارت اشتلم های خود درآورد.

؟ باید خیلی مراقب باشیم ادبیات مان دچار کژکارکرد عقل انبانی نشود و ذهن خود را انبان فهم،،، و یافته ها و بافته های خویش را همه ی حقیقت نبینیم و آرمان ها را از جاده و طریق راهکارهای کلیشه ای نپویم. با پوزخند و طعنه پراکنی و امنیتی کردن و اشتلم زدن، بهر کسی، چاه نکنیم. این چاه ها اول گور ارباب تصلب خواهد شد.

؟ تفکر انتقادی رویه مناسبی برای گریز از تصلب شرابین ذهنی است.

؟ بسیار می شود که سخنان فاخر و صایب ، بدلیل بیانات، دیگرتحقیرکن، مظلوم و مهجور میشود.

اشاره:

معنای واژه ی اشتلم (اُ ش ت لُ م) (۱.) - گرفتن چیزی به زور. ۲ - لاف زدن. ۳ - **تندی**
، **خشونت، تحکم**. ۴ - ظلم ، زور.

فرهنگ فارسی معین